هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم



استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت:

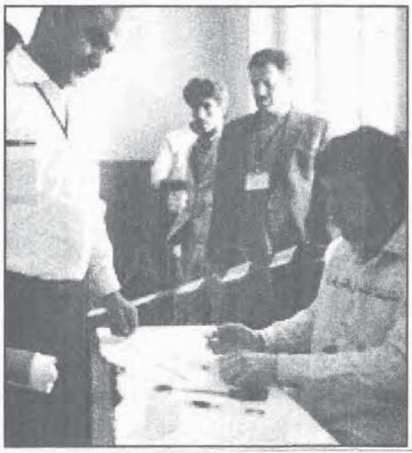
تجلیل عملی از شهدای عزیز و از قهرمان ملی، همانا تجلیل از آزادی، عزت، استقلال و عدالت اجتماعی می باشد

ص۳

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ بیست و یکم ۲۸ سنبلهٔ ۱۳۸۹   ۱۰ شوال المکرم ۱۴۳۱ - 19 september 2010

دور دوم انتخابات مجلس نمایندگان

با حضور گستردهٔ مردم در سراسر کشوربرگزار گردید



روند رأی دهی طبق طرزالعمل ادامه یافت و در طول روز گزارش از برخی نارسایی های فنی و چالش های امنیتی خبر می داد

ص۵



انتخابات پارلمانی دور دوم

ص۲

سرمقاله

یک انتخاب دیگر

ص۲

افغانستان در آستانهٔ پارلمان جدید

ص۶

بحث های که هنوز زود است

ص۷



سفر رئیس جمهور به پاکستان

وحید مژده

روز چهارشنبهٔ هفته گذشته، رئیس جمهور کرزی غرض یک سفر رسمی دو روزه به پاکستان رفت. این سفر به سلسلهٔ سفرهای مقامات عالی دو کشور برای مذاکره در مورد مسایل مورد علاقه میان افغانستان و پاکستان صورت می گیرد. از زمانی که حامدکرزی برای بار دوم به عنوان رئیس جمهور در افغانستان انتخاب شده است این دومین سفر وی به پاکستان می باشد.

هدف از این سفر نیز تلاش برای جلب همکاری پاکستان برای کمک به تامین امنیت در افغانستان به خصوص در آستانهٔ انتخابات پارلمانی در کشور خوانده شده است. رئیس جمهور در این دیدار با رئیس جمهور زرداری و همچنان صدراعظم پاکستان یوسف رضا گیلانی ملاقات نمود.

در این اواخر رئیس جمهور کرزی بارها از نیروهای بین المللی خواسته است تا به مراکز تروریسم در خارج از مرزهای افغانستان توجه کنند زیرا تروریسم در روستاهای افغانستان نیست. به خصوص این درخواست به دنبال انتشار اسنادی در پایگاه انترنتی ویکی لیکس صورت گرفت که نشان داد امریکائی ها از سال ها قبل در مورد دخالت پاکستان در امور داخلی افغانستان اطلاع داشتند ولی به آن توجهی نکردند.

درخواست افغانستان از نیروهای بین المللی برای تمرکز به مبارزه با تروریسم در خارج از مرزهای افغانستان ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

یک انتخاب دیگر

دیروز شنبه ۲۷ سنبله مردم ما یکبار دیگر به مراکز رای دهی رفتند و در انتخابات برای گزینش نمایندگان شان از میان انبوه کاندیدا، شرکت کردند.

برگزاری انتخابات دیروز، در مجموع یک پیروزی برای مردم افغانستان به حساب می آید، زیرا نگرانی های زیادی از بابت تأمین امنیت در این روز و به خصوص در مراکز رای دهی، وجود داشت و اکثر رسانه های داخلی وخارجی نیز این تشویش ها و نگرانی ها را بزرگ و بزرگتر جلوه داده بودند!

جای تعجب است که حکومت از طریق بعضی رسانه ها اطمینان می داد که در روز انتخابات تدابیر لازم برای تداوی مجروحان در نظر گرفته شده و در فلان شفاخانه چند بستر به صورت ریزرف نگهداری شده و مقادیر زیادی خون در دسترس است و....

در حالی که این دستور باید به صورت نامه های محرمانه به شفاخانه ها داده می شدکه آمادهٔ پذیرش مجروحان احتمالی در نتیجهٔ حوادث احتمالی باشند، نه این که تحت نام اطمینان، تشویش ایجاد نمایند و مردم را بترسانندکه چنین و چنان خواهد شد و ما اطمینان می دهیم که آمادگی کامل داریم و شما مجروحان را بستر خواهیم ساخت و خون به شما خواهیم داد!

بالاخره با آنهم تشویش ها و نگرانی ها و تهدیدها و اخطارهای مبالغه آمیز مخالفان مسلح، انتخابات به صورت عموم در فضای امن و آرامش برگزارگردید و از حملات و تهدید های بی شمار احتمالی مخالفان مسلح، جز چند مورد محدود، خبری نبود.

گرچه ریختن یک قطره خون یک هموطن ما، ویرانی یک خشت منزل یک افغان، جای تأسف و رنج است ولی در مجموع مخالفان مسلح نتوانستد تهدیدهای شان را عملی سازند و مردم شجاع وآگاه ما، بی هراس از تهدیدها به سوی مراکز رای دهی رفتند و به کاندیدای مورد نظر شان رأی دادند.

بدبختانه که بازهم گزارش هایی از تخلف وتخطی وتقلب در جریان انتخابات از سراسر کشور رسیده که امیدواریم به صورت دقیق بررسی گردد و قبل از اعلام نتایج به همه شکایات رسیدگی شود تا مردم ما اطمینان یابند که انتخابات در فضای آزاد و ص۵

انتخابات پارلمانی دور دوم



ابوبکر سبزوار

روز شنبه ۲۷ سنبله افغانستان شاهد دومین دور انتخابات پارلمانی بعد از سقوط طالبان بود. به دلیل چالش های فراوان امنیتی قبلا کمیسیون مستقل انتخابات اعلام نموده بود که از بیش از پنج هزار وهشتصد مرکز رای دهی در سراسر کشور، حدود یک هزار مرکز بسته باقی خواهد ماند زیرا این مراکز در معرض تهدید جدی قرار دارد.

طالبان تهدید کرده بودند که مانع شرکت مردم در انتخابات خواهند شد و به مردم نیز هوشدار داده بودند که به مراکز رای دهی نزدیک نشوند اما برخلاف انتظار، وقتی موعد بازشدن مراکز رای دهی نزدیک تر شد، حتی در مقایسه با روزهای قبل امنیت بهتر بود.

اکنون همه به این باور اند که انتخابات ۲۷ سنبله در مقایسه با انتخابات ریاست جمهوری اخیر شفاف تر برگزار شد زیرا این انتخابات با چالش های امنیتی کمتری مواجه بود. بنابراین پارلمان بیرون آمده از این انتخابات نیز می تواند به صورت بهتر از ملت نمایندگی نماید. اگر ثابت شود که در این انتخابات تقلب در سطحی که روی نتیجهٔ کلی تاثیر گذار باشد صورت نگرفته است و مردم بیشتری در رای دهی شرکت کرده اند، می توان گفت ما شاهد یک پارلمان قوی تر از پارلمان قبلی در برابر حکومتی هستیم که رئیس آن متهم به رسیدن به قدرت بوسیلهٔ تقلب است.

اما در این انتخابات ما شاهد مشکلات دیگری بودیم که می تواند به شفافیت آن لطمه وارد نماید. قبل از انتخابات این نکته مشخص شد که صدها هزار کارت جعلی رای دهی وارد افغانستان شده که تشخیص آن از کارت های اصلی مشکل است. جالب اینجاست که از قول یکی از مقامات کمیسیون مستقل انتخابات نقل شده که گفته است اگر یک افغان از کارت تقلبی هم استفاده نماید مشکلی وجود ندارد زیرا بهرحال وی حق رای دادن را داراست.

شاید این جناب نمی داند که هدف از وارد کردن این کارت ها به افغانستان یکبار رای دادن نیست بلکه همراه با این کارت ها موادی هم وارد کشور شده که با آسانی می تواند رنگ انگشت رای دهنده را پاک نماید. نگارندهٔ این سطور بعد از دادن رای در مرکز رای دهی واقع در لیسهٔ حبیبیه، دستم را با مایع سفید کننده شستم و رنگ به سهولت پاک شد.

بنابراین کسی که مثلا ده عدد از این کارت ها را در اختیار دارد، می تواند در ده مرکز رای دهی به نفع یک کاندید رای بدهد. موجودیت صدها هزار کارت از این نوع به صورت کلی می تواند شفافیت این انتخابات را زیر سوال ببرد.

از مراکز مختلف خبر از تقلبی بودن رنگ و خراب بودن وسیلهٔ سوراخ کنندهٔ کارت می رسد و این مشکلی است که در طی سه انتخابات گذشته نیز وجود داشت. تکرار این مشکل برای بار چهارم نشان می دهد که این کار تصادفی نیست بلکه به صورت عمدی توسط کسانی به کار گرفته می شود که خواهان شفافیت انتخابات نیستند.

یکی از مشکلات دیگر در این انتخابات، کم بودن مراکز رای دهی در مناطق امن کشور بوده است. قبل از انتخابات نیز مردم شکایت داشتند که کمیسیون مستقل انتخابات در مناطق امن نیز مراکز رای دهی را بسته است و این مشکل در روز انتخابات مشخص شد.

مشکل دیگر در این انتخابات این بود که کمیسیون مستقل انتخابات در مورد تعداد افراد واجد شرایط رای دهی در بعضی از مناطق احصائیهٔ دقیق نداشتند و در نتیجه حتی در ساعات اولیهٔ رای گیری، اوراق رای گیری به پایان رسید و بسیاری از مردم نتوانستند رای بدهند. این مشکل تخنیکی در مناطق مختلف افغانستان مشهود بود و نشان داد که کمیسیون مستقل انتخابات در این مورد به صورت دقیق برنامه ریزی نکرده بود. در این میان از مناطقی هم سخن در میان است که اصلا مواد به آنجا ارسال نشده است. این درحالیست که مسوولین کمیسیون مستقل انتخابات دیروز از ارسال نود درصد مواد به مراکز رای گیری خبر داده و گفته بودند که بقیه نیز تا ساعت دوازدهٔ شب به مراکز مذکور خواهد رسید.

در بعضی از مناطق حتی در شهر کابل بعضی از مراکز رای دهی با تأخیر باز شد در حالی که این مراکز باید قبل از ساعت هفت باز می شدند.

در مجموع می توان گفت که با توجه به چالش های فراراه انتخابات، انتخابات پارلمانی دوم در افغانستان با موفقیت برگزار گردید و امید است تا پارلمان آینده پارلمانی توانمند تر از پارلمان قبلی باشد و به خصوص در قسمت رفع خلاهایی که در قانون انتخابات وجود دارد، به صورت جدی اقدام نماید تا پنج سال بعد ما شاهد انتخابات بهتری با چالش های کمتر باشیم.

در بعضی از مراکز به این دلیل که صندوق رای دهی به خانه ها برده شده بود، رای آن صندوق ها باطل اعلام گردید اما هنوز مشخص نیست که چنین تخلف تا کدام حد گسترده بوده است.

نکتهٔ جالبی که در این انتخابات به ظهور رسید این بود که در بعضی از مناطق تعداد رای دهندگان زن بیشتر از مردان بود. این نکته نمایانگر اینست که زنان به اهمیت رای در حیات سیاسی و اجتماعی خویش دست یافته اند.

در مجموع می توان گفت که با توجه به چالش های فراراه انتخابات، انتخابات پارلمانی دوم در افغانستان با موفقیت برگزار گردید و امید است تا پارلمان آینده پارلمانی توانمند تر از پارلمان قبلی باشد و به خصوص در قسمت رفع خلاهایی که در قانون انتخابات وجود دارد، به صورت جدی اقدام نماید تا پنج سال بعد ما شاهد انتخابات بهتری با چالش های کمتر باشیم.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت:

تجلیل عملی از شهدای عزیز و از قهرمان ملی، همانا تجلیل از آزادی، عزت، استقلال و عدالت اجتماعی می باشد



خوانندگان عزیز، آنچه می خوانید متن سخنرانی استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان است که به مناسبت هفتهٔ شهید و سالروز شهادت شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور در خیمهٔ لویه جرگه ایراد نموده بودند.

الحمد لله والصلاه والسلام علی رسول الله

حضار گرامی!

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

در مراسم سالروز فرزانه فرزند ارجمند، قهرمان ملی کشور و هفتهٔ شهید قرار داریم، بدون شک تجلیل از این مناسبت مهم وتاریخی در آخرین لحظات و روزهای ماه مبارک صیام، ماه تقوی وطهارت، ماه صبر واستقامت صورت می گیرد، بیانگر این حقیقت است که این شهید بزرگوار و سایر شهدای ارجمند ملت مسلمان افغانستان پیوند عمیق و ناگسستنی به ارزش های دینی و به مکتب تقوی و طهارت و صیام دارند. این عزیزان در این مکتب رشد کردند تا از دین، عزت و آزادی مردم شان دفاع کنند. من به چند مطلب می خواهم اشاره کنم:

نخست این که ما وقتی در مورد شخصیت قهرمان ملی، ابعاد سیاسی، نظامی، اجتماعی و انسانی او بحث می کنیم، باید بفهمیم که همه این خوبی ها از کجا سرچشمه می گیرد؟ به نظر من همه این خوبی ها و ارزش ها از یک چیز شرچشمه می گیرد که آن تربیت در مکتب اسلام است.

پس مرگ در راه این مکتب، حیات جاویدان است، خداوند درمورد چنین بیان می کند (ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات، بل احیاء ولاکن لاتشعرون)

یعنی کسانی که در راه خدا کشته شده اند نمرده اند بلکه، این ها زنده وجاوید هستند. باز در تعریف این شخصیت ها قرآن می فرماید: من المومنین رجال صدقوا ما عاهدواالله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ینتظر و مابدلوا تبدیلا.

مردان راستگو تا آخرین روز های زندگی خود در پیمان خود صادق بودند، صداقت در زندگی بزرگترین ارزش است، صداقت در سیاست، درتجارت، در اخلاق و در اجتماع و همه مسایل عنصر اساسی شخصیت است. بدترین شخصیت ها در تاریخ شخصیت های دروغگو وکاذب اند.

بهترین شخصیت آن است که به قول و به حرف خود عمل می کند، به همین خاطر است که خداوند صادقان را جزایی خیر می دهد به اساس راستی شان، وکافران و منافقان را عذاب می کند به اساس دروغ ومنافقت شان.

پس ما چنین شخصیت ها را از لابلای تعریف قرآنکریم می شناسیم، که قرآن این ها را شخصیت های راستگو و صادق معرفی کرده است.

مطلب دیگر که می خواهم اشاره کنم این که، شهادت در فرهنگ دینی ما مفهوم خود کُشی نیست، مفهوم انتحار ندارد، بلکه شهادت یک فداکاری برای نجات دیگران است. زیرا انتحار قصد کشتن دیگران را دارد، و شهید قصد نجات دیگران را. برای این که فاجعه به میان نیاید، انسان های مظلوم کشته نشود، شهید خود را فدا می کند، زندگی خود را فدا می کند تا دیگران را نجات بدهد.

لذا حرکت های انتحاری با جریان شهادت طلبی از آسمان تا زمین تفاوت دارد، او یک ارزش دینی و انسانی، و این یک حرکت جاهلانهٔ عاقبت نه اندیشانه است.

مکتب جهاد حرکتی بود برای نجات بشریت، متأسفانه بعد از ۱۱ سپتمبر و پیش از آن بسیار ظالمانه تبلیغاتی علیه جهاد، وحتی علیه اسلام صورت گرفت. این گونه نشان دادند که جهادی ها یعنی یک گروهی خطرناک، این بی انصافی ها را آن هایی می کنند که روزی سنگر به سنگر از ارزش های جهاد می خواستند حمایت کنند، وقتی که مجاهدین برای آزادی کشور و نجات دنیا در برابرکمونیزم مبارزه می کردند، به دفاع آنها برخاستند. اما بعد ها همه این ارزش ها را فراموش کردند، در حالی که جهاد یک حرکتی برای دفاع از انسان و انسانیت بود.

جهاد دراسلام جنگ برای جنگ نیست، جهاد در اسلام مبارزه برای صلح است. مبارزه برای تأمین عدالت و نجات انسان های مظلوم است. جنگ برای جنگ در فرهنگ اسلام نیست، بلکه جنگ برای صلح، برای تأمین امنیت، برای آزادی انسان است.

دنیا بعد از پیروزی نه تنها ملت ما را تنهاگذاشت، بلکه دست همکاری به عناصر آشوبگر و مفتن دراز نمود، باید دنیا بفهمد و این اشتباه بزرگ را برای همیشه تکرار نکند.

ما در شرایط کنونی این را بررسی کنیم که چرا این مشکل ادامه پیدا می کند، این سوالی است که باید جامعهٔ جهانی و مسوولان کشور و همهٔ ما از خود بپرسیم؟

وقتی گروه طالبان تمام قدرت را در اختیار داشتند، هزاران نیروی غیر افغانی و قوت های منظم برخی از کشور ها در پهلوی شان می جنگیدند، با یک عملی که اندک کمک هوایی با مجاهدین داشتند، متلاشی شدند و در وقت کم از سراسر افغانستان فرارکردند، اما امروز نه سال از جنگ می گذرد، بیش از ۱۲۰۰۰۰ عسکر خارجی هم حضور دارد و از سلاح های سنگین استفاده می کنند اما باز هم نتیجه طور دیگری است و به شکست خود اعتراف می کنند.

باید از خود بپرسند که با ۱۲۰۰۰۰ هزار عسکر قادر نیستند طالبان را شکست بدهند علت چیست؟ چرا دنیا امروز عاجر مانده است؟ تصور من این است که جامعهٔ جهانی با ملت افغانستان برخورد ابزاری کرده است، به عنوان یک شریک با ما معامله نکرده است، و هنوزهم برخورد ابزاری می کنند.

مگر جایی تعجب نیست، یک شخصیت عالی رتبهٔ یکی از کشورها می گویدکه، ما به افغانستان برای تثبیت وتحکیم نظام سیاسی نیامده ایم، ما آمده ایم که کوچه های لندن را از شر تروریزم نجات بدهیم. این گفته به این معناست که افغانستان میدان جنگ و قربانی امنیت کوچه های شما شده است، پس فرزندان ما که کشته می شود به خاطر چه است. زمانی که می بینیم به ساختارهای زیر بنایی توجه صورت نمی گیرد، سوال پیدا می شود که این ها به خاطر چیست؟

چیز دیگری را که ضرور است به آن اشاره شود اینکه، متأسفانه خود ما، مسوولان نظام، مجموعه های سیاسی و فرهنگی کشور نیز در دشمنی با جهاد و مجاهدین و دست آورد های جهاد از هیچ عملی نا روا ونا درست دریغ نکردند. در اکثریت نشرات و مطبوعات مربوط گروه های معلوم الحال، محراق حملهٔ نشراتی شان جهاد و مجاهدین است.

وقتی که کشور در حالت بحران خطرناک امنیتی قرار دارد، آیا لازم نیست به جای این غوغاهای نادرست حرف ها و تلاش ها، متوجهٔ گروه هایی شود که می خواهند کشور را به فروپاشی بکشانند.

دنیای که با تمّام ساز و برگ به کشور ما آمده بودند تا تروریزم را شکست بدهند، دیده می شود امروز بیرق سفید بلند کردند، امروز آواز تسلیمی شان به گوش ها می رسد و می گویند، دیگر ما نمی توانیم، باید راه دیگری جستجو کنیم.

آخرین گزارش مرکز تحقیقاتی لندن اذعان می کند که، ما باید نه تنها باطالبان بلکه، با القاعده هم سازش و راه گفتگو را باز کنیم. در همچو مراحل که قدرت نظامی بین المللی در برابر اوضاع فعلی اظهار عجز می کند، اعلان جنگ و تبلیغات علیه جهاد و مجاهدین چه معنا دارد؟

در شرایط حاضر ترس ما نباید از کسانی باشد که در برابر نظام مسلحانه می جنگند، بلکه ترس ما بیشتر از فقدان و فروپاشی اعتماد ملی است، نباید انکار کرد که ما در یک مرحلهٔ خطر ناک فروپاشی اعتماد ملی و انگیزه قرار داریم. ببینید مزید به قوت های خارجی، تعداد قوت های امنیتی ما کمتر از قوت های طالب نیستند، چرا زود شکست می خورند، چرا مناطق مختلف یکی بعد از دیگر بد امن می شود. شمال کاملاً در امن بود، تمام ولایات جنوب در نا امنی به سر نمی برد، می بینیم که دروازه های کابل تهدید می شود و ولایات همجوار کابل زیر تهدید است. علت در این است که با فقدان انگیزه، فروپاشی اعتماد ملی، عدم همبستگی مواجه هستیم. که یقیناً در این مرحلهٔ حساس، باید دوباره بازنگری کنیم. ما نباید انتظار بیش از حد داشته باشیم که دختران و پسران اجنبی امنیت ما را تأمین کند، چرا این توان مندی را خودما نداشته باشیم. بودند کسانی که تجربهٔ جنگی و انگیزه برای دفاع از کشور را داشتند. عمداً به انزوا کشاندند، قصداً علیه شان جنگ آغاز شد. با تأسف باید گفت که این جنگ بعد از جلسهٔ بن شروع شد، بعد ها این موضوع قدم به قدم پیگیری شدکه متأسفانه پیامد خوب نداشت. تا وقتی که این روند ادامه یابد و به اشتباهات خود اعتراف نکنیم، با شرایط سختی دیگری هم رو برو خواهیم شد.

درشرایطی که امنیت نیست، هیاهوی به نام عدالت انتقالی صورت می گیرد. هدف شان این است که باید فرماندهان جهاد و مجاهدین محاکمه شوند، که این یک حرف مسخره است. ما مخالف تأمین عدالت نیستیم. کسانی که هر روز قتل عام می کنند و توسط بمباردمان مردم مظلوم و بی دفاع را می کشند، روی این حرفی نیست و تنها مجاهدین را دنبال می کنند. آن هم انگشت ماندن بالای افراد به خصوصی نیست بلکه، با این همه تلاش ها، نظام جهاد، حرکت جهاد و مجاهدین را زیر سوال قرار دادن است وبس. من یقین دارم که این گونه حرکت های موریانه صفت، احترام به قهرمان ملی و احترام به شهادت و مجاهدین را خدشه دار ساختن است.

در شرایطی قرار داریم که باید جامعهٔ بین المللی به کاستی های شان اعتراف کنند، باید بفهمد که افغانستان یک کشور آزاد و مستقل است. قسمی که شما برای امنیت خود فکر می کنید برای امنیت ماهم فکر کنید، نگویید که ما تنها برای تأمین امنیت کشور های خود می جنگیم. افغانستان آماده نیست که میدان جنگ برای تأمین امنیت شما شود، باید به عنوان یک شریک معامله کنید نه به عنوان یک ابزار.

مشکلاتی در سیاست گذاری ها و استراتیژی های جامعهٔ بین المللی در قبال قضایای افغانستان وجود داشته است. من تعجب می کنم که هر روز در استراتیژی های غرب در افغانستان تجدید نظر می شود در حالی که مشخصهٔ استراتیژی این است که باید از عمر طولانی برخوردار باشد.

علت این که قضایا درست بررسی نمی شود، تصمیم گیری ها عجولانه صورت می گیرد بعداً مجبورمی شوند که دنبال استراتیژی و تغییر درآن بروند.

به هرحال، خواست من این است که باید شهدای عزیزمان را در عمل تجلیل کنیم، نه درسالی یک روز.

تجلیل عملی از شهدای عزیز و از قهرمان ملی، همانا تجلیل از آزادی، عزت، استقلال و عدالت اجتماعی می باشد وکوشش شود که شهدای عزیز مان الگو برای همه و به خصوص نسل جوان مان باشند.

اقول قول هذا استغفر الله لی ولکم

گزارشی از تاجیکستان

همکاری های فرهنگی منطقوی به توجه بیشتر نیاز دارد

دکتر شمس الحق آریانفر

در شرایط جاری افغانستان، با آن که بیشترین مبالغ دنیا دراین سرزمین گویا مصرف می شود، فرهنگ این کشور در شرف قربان شدن است.

روند جاری چنین می نماید که روزی و روزگاری چون کشور هند و یا پاکستان زبان های اصلی ما به انگلیسی تبدیل گردد و زبان های رسمی کشور چون پشتو و دری ازکاربرد بیافتد. و به همین سرنوشت مبتلا گردد، فرهنگ ما.

من ازداخل کشور مثالی نمی آورم . این که پروفیسور ادب و زبان دری و یا پشتو کاری پیدا نمی کند و داننده انگلیسی بدون هیچ علمی به عنوان یک مترجم و برگردان صاحب هرکار و مقامی می گردد و دنباله این فاجعه چه خواهد بود.

رویدادی را شاهد بودم درتاجیکستان و آنهم در رابطه به یکی از نخبه گان فرهنگ ما، که می تواند برهان مدعای ما باشد.

به تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۱۰ اکادمی علوم تاجیکستان شاهد معرفی دوکتاب بود در رابطه به استاد خلیلی .

یکی ازاین کتاب ها: « درکوی خلیلی » نام داشت که مجموعه ازیادداشت ها ، نامه ها و خاطرات استاد خلیل الله خلیلی است که درایام مهاجرت و زیست خود در پاکستان، به دانشمند پاکستانی محمد عارف نوشاهی نگاشته است.

کتاب دوم « یار آشنا » نام داشت که اثریست ازخلیلی در رابطه به علامه محمد اقبال لاهوری و چگونگی سفر او در سال ۱۳۳۷ به افغانستان.

این کتاب ها درتاجیکستان چاپ شد و ازطریق اکادمی علوم تاجیکستان معرفی گردید. درمحفل معرفی آین کتاب ها سفرای افغانستان و باکستان، نماینده فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، آریانفر اتشه فرهنگی سفارت افغانستان درتاجیکستان، رییس اکادمی علوم تاجیکستان هلال اف، رئیس انستیتوت شرق شناسی تاجیکستان کرامت الله عالم اف، عسکر حکیم شاعر و نویسنده تاجیک، قربان واسع نویسندهٔ تاجیکستان، محمد عارف نوشاهی دانشمند پاکستان صحبت نمودند.

تا اینجا حرفی نیست. اما وقتی توجه کنیم این کتاب ها چگونه به تاجیکستان آمد و عارف نوشاهی چگونه به تاجیکستان دعوت شد و این کار ها چگونه و با چه امکاناتی صورت گرفت ، در می یابیم که کشور های ما چقدر در رابطه به مسایل فرهنگی به توجه نیاز دارند.

نوشاهی را هیچ یک از کشور های فارسی زبان برای صحبت ، بازدید و یا چاپ کتاب دعوت نکرده بود. درحالی که نوشاهی استاد زبا ن فارسی دری در دانشگاه گوردن پاکستان است و باید به این کشور ها دعوت شود و حتی شاگردان او برای کار آموزی و آموزش زبان برای چند ماهی به این کشور ها دعوت شوند ،تا زبان را از گوینده های آن بیاموزند.

نوشاهی توسط کتابخانهٔ استاد خلیلی درتاجیکستان دعوت شده بود. کتابخانه خلیلی توسط یکی از افغان های مهاجر به نام محمد جعفر رنجبرکه مصروف کارهای فرهنگی دراین کشور است، به گونهٔ شخصی به نام استاد خلیلی ایجاد گردیده است. رنجبر سال ها این کتابخانه را به گونهٔ شخصی فعال نگهداشت و بعدا به جنب اکادمی علوم تاجیکستان پیوست. اما بازهم مسوولیت کتابخانه به دوش خود اوست و تشبثات این کتابخانه به ابتکار شخص رنجبر صورت می گیرد. کتابخانه گاه به گاه محافلی دایر می کند و یا کتابی را چاپ می نماید که همه امور اجرایی و مادی آن توسط شخص رئیس کتابخانه تمویل می شود. البته در مورد افغان های مهاجر و یا تاجران افغان درتاجیکستا ن در حد توان از لحاظ مادی او را یاری می کنند. این کتابخانه که حدود ۱۶ سال است در تاجیکستان فعالیت می نماید تاحال کتاب های زیادی را چاپ نموده است. چون:

بامیان اثراحمد علی کهزاد، دیوان رودکی، مولانای بلخ درسرودهٔ شاعران، نی نامه، احوال وآثار مولانا یعقوب چرخی، امام اعظم مجموعهٔ مقالات دانشمندان افغانستان و هند، دیوان خلیلی؛ رودکی اثر سعید نفیسی و کتاب های دیگر که فهرست همه آن ها نزد من نیست.

جالب این است که عارف نوشاهی استاد زبان فارسی در پاکستان را نیز کتابخانهٔ استاد خلیلی دعوت نموده بود. به گفتهٔ جعفر رنجبر مسوول کتابخانهٔ خلیلی محمد عارف نوشاهی توسط این کتابخانه به تاجیکستان دعوت شد، مدت بیشتر از ۲۰ روز پذیرایی گردید. به شهر های مختلف تاجیکستان زمینهٔ سفرش مساعد شد و همینگونه کتاب های که استاد عارف نوشاهی آورده بود توسط کتابخانهٔ خلیلی کمپیوتر و صفحه آرایی شد و با مصرف کتابخانه چاپ گردید. در اخیر هم کتابخانه خلیلی محفلی را درمعرفی کتاب ها سازماندهی کرد وکتاب های چاپ شده معرفی شد.

سخن این است که این کار ها باید توسط یکی از کشور های فارسی زبان و یا توسط افغانستان صورت می گرفت. اما می بینیم که یک شخص جعفر رنجبر کار یک کشور را نموده و چنین یک دعوت را به راه انداخته و حد اقل دوجلد کتاب جدید را در رابطه به استاد خلیلی شاعر بزرگ افغانستان و منطقه به نشر رسانیده است. از اینجاست که می گوییم همکاری های فرهنگی منطقوی به خصوص ازجانب کشور های منطقه ، به توجه بیشتر نیاز دارد.

سخن دیگر این که استاد نوشاهی می گفت: حد اقل ۳۰ جلد کتاب خلیلی را که در پاکستان چاپ شده در کتابخانهٔ خود دارد. جا دارد که وزارت های اطلاعات و فرهنگ ، اکادمی علوم و وزارت معارف افغانستان و به خصوص وزارت تحصیلات عالی و دانشگاه کابل و نهادهای علمی و فرهنگی دانشگاهی، درزمینه دست یابی و نشر آن اقدام نمایند. و این پیوند فرهنگی و معنوی را استوار سازند و همچنان با چاپ کتاب های استاد خلیلی بخشی از آثار استاد را از نابودی نجات دهند و برغنای معنوی کشور بیفزایند. برخی ازاین کتاب ها اگر چاپ هم شده باشد بسیار محدود و درشرایط جهاد و در پاکستان بوده که به مردم افغانستان نرسیده است. گذشته از آن، آن آثار مویه ها و حماسه های یک ملت زخمین و درخون نشسته است که هیچ اثر دیگری نمی تواند آن حالات را ، آنچنان که آنجا بازتاب یافته است، انعگاس دهد و برگ های رنگین تاریخ سرزمین ماست.

گذشته از این ها خزینه های آثار خطی کشورهای منطقه مالامال از آثار خطی زبان فارسی است که طی صدها و هزار سال به نگارش آمده و هنوز همه به معرفی نیامده اند. تنها در کتابخانهٔ انستیتوت شرق شناسی نسخه های خطی تاجیکستان حدود ۶۰۰۰ نسخه خطی موجود است. یکی ازکار های کشور های منطقه، همکاری کشور ها و دانشمندان منطقه در نشر و معرفی این آثار است که گوهر های بی بها و میراث بلند ارزش پیشینان ماست. جا دارد نسخه شاسان و محققانی از افغانستان و ایران در شناسایی و معرفی و تحقیق روی این نسخه ها کار کنند. آنگاهست که می شود با انتقال غنای پارین عصرحاضر خود را پربار تر کرد و در روشنایی آن تواناتر از همیشه آینده ها را ساخت و در راستای توسعهٔ فرهنگی همگام با جهان قدم برداشت.

امید است خدمات وکارهای که توسط دانشمندان هند و پاکستان درعرصهٔ فرهنگ ا نجام یافته است بیشتر مورد توجه قرار گیرد و چاپ شود. دانشمندانی که بدون چشم داشتن به فرهنگ منطقه و همسایگان خویش خدمت می نمایند.

عجب صبری خدا دارد...

رزاق فانی

خدا گر پرده بردارد ز روی کار آدمها
چه شادیها خورد برهم چه بازیها شود رسوا
یکی خندد ز آبادی، یکی گرید ز بربادی
یکی از جان کند شادی، یکی از دل کند غوغا
چه کاذب ها شود صادق، چه صادق ها شود کاذب
چه عابد ها شود فاسق، چه فاسق ها شود ملا
چه زشتی ها شود رنگین چه تلخی ها شود شیرین
چه بالا ها رود پائین، چه سفلی ها شود علیا
عجب صبری خدا دارد که پرده بر نمی دارد
وگرنه بر زمین افتد ز جیب محتسب مینا
شبی در کنج تنهائی میان گریه خوابم برد
به بزم قدسیان رفتم ولی در عالم رؤیا
درخشان محفلی دیدم چو بزم اختران روشن
محمد(ص) همچو خورشیدی نشسته اندران بالا
روان انبیاء با او، علی شیر خدا با او
تمام اولیاء با او همه پاک و همه والا
ز خود رفتم در آن محفل تپیدم چون تن بسمل
کشیدم ناله ای از دل زدم فریاد واویلا
که ای فخر رسل احمد برون شد رنج ما از حد
دلم دیگر به تنگ آمد ز بازی های این دنیا
زند غم بردلم نشتر ندارم صبر تا محشر
بگو با عادل داور بگو با خالق یکتا
چسان بینم که نمرودی بسوزاند خلیلی را
چسان بینم که فرعونی بپوشاند ید بیضا
چسان بینم که نامردی چراغ انجمن باشد
چسان بینم جوانمردی بماند بیکس و تنها
چسان بینم بد اندیشی کند تقلید درویشان
چسان بینم که ابلیسی بپوشد خرقه ی تقوا
چسان بینم که شهبازی بدام عنکبوت افتد
چسان بینم که خفاشی کند خورشید را اغوا
چسان بینم که ناپاکی فریبد پاکبازان را
چسان بینم که انسانی بخواند خوک را مولا
غریب و خانه ویرانم فدایت این تن و جانم
کجا شد سوره ی یاسین کجا شد آیه ی طه؟
چه شد تاثیر قرآنی چه شد رسم مسلمانی
مبادا نقد ایمانم رود از کف درین سودا
به شکوه چون لبم واشد حکیم غزنه پیدا شد
بگفتا بسته کن دیگر دهان از شکوه ی بیجا
عروس حضرت قرآن نقاب آنگه بر اندازد
که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا
به این آلوده دامانی به این آشفته سامانی
مزن لاف مسلمانی مکن بیهوده این دعوا
مسلمان مال مسلم را به کام شعله نسپارد
مسلمان خون مسلم را نریزد در شب یلدا
برو خود را مسلمان کن پس فکر قرآن کن
سفر در کشور جان کن که بینی جلوه ی معنا
سنایی رفت و پنهان شد مرا رویا پریشان شد
خیال از اوج پایان شد فرو افتادم از بالا
نه محفل بود، نی یاران نه غمخوار گنهکاران
ز ابر دیده ام باران، فرو بارید بی پروا
اطاقم نیمه روشن بود کتابی چند با من بود
گشودم گنج حافظ را که یابم گوهر یکتا
یقینم شد که حالم را لسان الغیب میداند
که در تفسیر احوالم بگفت آن شاعر دانا
الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها
شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل
کجا دانند حال ما سبکساران ساحلها
بگفتا حافظ اکنون کمی از حال میهن گوی
که ما در گوشهٔ غربت ازو دوریم منزلها
بگفتا خامه خون گرید گر آن احوال بنویسم
به توفان مانده کشتی ها به آتش رفته حاصلها
ز تیغ نامسلمانان ز سنگ نا جوانمردان
فتاده هر طرف سرها شکسته هر طرف دلها
بگفتم چون کند مردم، بگفتا خود نمیدانی؟
جرس فریاد می دارد که بر بندید محملها



دور دوم انتخابات مجلس نمایندگان با حضور گستردهٔ مردم در سراسر کشور برگزار گردید

گزارش از عنایت

ساعت هفت صبح روز یکشنبه مردم افغانستان در سراسر کشور به پای صندوق های رأی رفتند. اشتراک گستردهٔ مردم در دومین دور انتخابات پارلمانی کشور در میان انبوهی از مشکلات و چالش های پیش بینی شده، صورت گرفت.

حامد کرزی رئیس جمهور در نخستین ساعت شروع انتخابات در نزدیکترین محل به پای صندوق های رأی رفت. وی پس از استعمال رأی در حضور رسانه ها از مردم خواست با حضور در پای صندوق های رأی و مشارکت در انتخابات پارلمانی، سرنوشت آیندهٔ کشور را خود بر عهده گیرند. آقای کرزی از اشتراک گستردهٔ مردم در سراسر کشور در ساعات اولیهٔ انتخابات تمجید نمود.

فضل احمد معنوی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان این روند را رسماً در حضور خبرنگاران و ده ها تن از ناظرین در لیسهٔ حبیبیه افتتاح کرد. وی از تمام مردم خواست بدون ترس و هراس در انتخابات شرکت نمایند.

رئیس کمیسیون انتخابات در نشست خبری شب گذشته ضمن اتحاف دعا به روح آنانی که جان های خود را در این پروسهٔ ملی از دست دادند، از همکاری های مشترک نیروهای امنیتی تشکر نموده برگزاری انتخابات را موفقانه توصیف نمود.

دراین نشست خبری جنرال عبدالرحیم وردک وزیر دفاع ملی گفت: نیروهای امنیتی از ۲۵ جوزا فعالیت های مشترک خود را آغاز نمودند که در نتیجهٔ همین عملیات های مشترک میزان تحرکات دشمن در این انتخابات نسبت به انتخابات سال گذشته سی در صد کم بوده است. وزیر دفاع تصریح کرد که در جریان روز انتخابات یک برید من ارتش کشته و۲۶ عسکر زخمی داشتند.

جنرال بسم الله محمدی وزیر داخله با بیان موفقیت آمیز خواندن انتخابات پارلمانی، این فرایند را نتیجهٔ همکاری های نیرو های امنیتی افغانستان، قوت های آیساف وتلاش پیگیرکمیسیون انتخابات دانست.

محمدی از ۱۳ مورد تحرکات دشمن در روز انتخابات و از کشف وخنثی نمودن موارد انفجاری و ماین های کارگزاری شده نام برد.

محمدی از کشته شدن سه نفر پلیس و مجروح شدن ۱۳ تن آنان در طول روز خبرداد. وزیر داخله تلفات دشمن را ۶۰ نفر کشته، ۲۳ نفر زخمی و۷ نفر اسیر خواند و تلفات ملکی را ۱۱ کشته و ۴۵ نفر محروح بیان کرد.

رئیس امنیت ملی در این نشست خبری از دستگیری و ضبط ۲۲ هزار کارت جعلی،۲۶ نفر جعل کار، ۱۵۰۰ اوراق رأی جعلی، ۱۶ حقله ماین و ۱۰ فیر راکت خبر داد.

روند رأی دهی طبق طرز العمل ادامه یافت و در طول روز گزارش ها از برخی نارسایی های فنی و چالش های امنیتی خبر می داد.

جنرال ظاهر عظیمی سخنگوی وزرات دفاع در ساعات شروع روند رأی دهی به منظور اطمینان هرچه بیشتر مردم تصریح کرد، ۳۵۰ هزار نیروی داخلی و خارجی برای تأمین انتخابات توظیف شده اند.

او همچنان از رسانه ها خواست، درصورتی که کدام واقعهٔ ناگوار در طول روز در مراکز رأی دهی رخ می دهد سعی کنند، از پخش آن جلوگیری نمایند تا مردم از این ناحیه به وحشت نه افتند.

با وصف تدابیر گرفته شدهٔ امنیتی، روند انتخابات بدون دغدغه و نارسایی ها به پایان نرسید و مشکلاتی در طول روز درجریان انتخابات هم در مرکز و هم در ولایات از سوی رسانه ها ومقامات مسوول گزارش گردید.

ازسوی دیگر، قلت برگه های رأی دهی، خرابی ماشین سوراخ کن و پاک شدن رنگ از دست رأی دهندگان مواردی بودند که در پهلوی چالش های امنیتی در برخی ولایات و حتی شهر کابل دیده شد.

احمد ضیاء رفعت عضو و سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی گفته است که در چندین مرکز رأی دهی، رنگ به آسانی و با استفاده از ماده های کیمیاوی، از انگشتان رای دهندگان پاک گردیده است.

به گفتهٔ آقای رفعت تا اکنون روشن نیست که در چی تعداد از مراکز دیگر چنین مواردی دیده شده است. در روند رأی دهی انتخابات مجلس نمایندگان ۱۳۸۹ در سراسر کشور بیش از ۳۵۰ هزار ناظر ملی و بین المللی شرکت داشتند.

حکومت وکمیسیون انتخابات قبل از برگزاری انتخابات تعهد نموده بودند که جلو تقلب وجعل کاری در انتخابات را خواهند گرفت.

اما گزارش ها از برخی ولایات حاکی از آن است که این روند ملی، مانند انتخابات ۲۷ اسد سال پار به دور از تقلب و مداخلهٔ صاحبان زر و زور نبوده است. قابل یاد آوری است که از آغاز تبلیغات انتخاباتی تا آخرین روز انتخابات ۳۲ نفر شامل سه نامزد انتخابات مجلس و ۲۹ عضو ستادهای انتخاباتی کشته شده اند و مخالفان مسلح ۳۶ نفر از جمله ۲۸ کارمند کمیسیون انتخابات این کشور را ربوده اند.

دورهٔ کاری مجلس نمایندگان افغانستان پنج سال است و اعضای این مجلس با رأی مستقیم وسری مردم انتخاب می شوند.

یک انتخاب دیگر

ادامهٔ سرمقاله

بدون مداخلهٔ حکومت و دست کاری جوانب ذی دخل صورت گرفته و از شفافیت لازم برخورداراست.

هرگاه مردم از برگزاری درست انتخابات اطمینان حاصل نکنند و هرگاه دامنهٔ تقلب ها و تخلف ها برچیده نشود، مردم به دموکراسی، آزادی و انتخابات بی باورمی شوند و دیگر به شرکت در همچو عملیه ها دل خوش نخواهند کرد و در نتیجه نظام سیاسی، دموکراسی و انتخابات در نظر مردم خوار و بی مقدار خواهد شد و این خود زمینه ساز تمایل مردم به نظام ها و سلطه های خود کامه و دیکتاتوری خواهد بود تا بساط صحنه سازی ها و نمایش های مسخره و خنده آور برچیده شود و تحت نام و عنوان آزادی، دموکراسی و انتخابات، مردم ما اغوا نگردند و در دام های فریبندهٔ این چنین گیرنشوند.

امیدواریم که با همه مشکلات قانونی رسیدگی شود و اکثر نامزدها و ناظرین شان از جریان انتخابات و شمارش آراء راضی و مطمئن باشند و ما شاهد تشکیل یک ولسی جرگهٔ جدید با نمایندگان واقعی مردم که به رأی و ارادهٔ مردم به این خانه راه یافته اند، باشیم، نه این که از راه تقلب و مداخلهٔ ارباب اقتدار و یا با صرف مبالغ هنگفت، صندوق های پر در اختیار شان قرار داده شده باشد.

ما خوش بین و محتاط هستیم و امیدواریم که رأی مردم ما به بازی گرفته نشود مردم ما خاطره های تلخ و ناگوار از جریان انتخابات نداشته باشند و اشتباهات وتقلبات گذشته بازهم تکرار نشود، بلکه راه اصلاح و اعتماد و اطمینان در پیش گرفته شود و مردم ما با داشتن خاطره های خوش و شیرین همواره با شوق و دلگرمی در انتخابات ها شرکت نمایند و به کاندیدای مورد نظر خویش رأی بدهند.

راه اصلاح و اعتماد و اطمینان، راه بقای نظام و پیوند دهندهٔ مردم با نظام است و مسدود کنندهٔ راه های فتنه.

بیایید ازگذشته ها درس و عبرت بگیریم و برای امروز و فردا، راه اصلاح را درپیش گیریم.

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

افغانستان در آستانهٔ پارلمان جدید

پنج سال قبل، در سال ۱۳۸۴ هجری انتخابات مجلس نماینده گان در کشور در شرایط بهتر از امروز برگزار گردید و مردم نماینده گان خویش را در مجلس قانون گذاری معرفی نمودند. در انتخابات نخستین، مردم با علاقهٔ فراوان و با کمیت زیاد به پای صندوق های رأی رفتند و مجلس قانون گذاری به فعالیت خویش در کشور آغاز کرد، از آن تاریخ تا امروز پنج سال سپری می شود و دور دوم انتخابات پارلمانی در کشور در یک جو نا آرام سیاسی، مملو از تشنج و در یک رقابت دور از انتظار به پایان رسید.

این انتخابات در شرایط دشوار افغانستان با وجود چالش ها و موانع، یک دستآورد برای حکومت و مردم به شمار می رود؛ زیرا گفته اند: داشتن یک پارلمان ضعیف بهتر از نبود آن است. برگزاری انتخابات در ساختار سیاسی جهان، یکی از مولفه های قانونمداری و ارکان مهم دیموکراسی به شمار می رود، بدون شک افغانستان جزء جامعهٔ جهانی است. این مردم حق دارند، تا در سایهٔ قانون، عدالت اجتماعی زندگی کنند و از مفاد جامعهٔ باز سیاسی بهره مند گردند. سوال اساسی که در مورد این انتخابات سر زبان ها است، اینست که آیا پارلمان آینده کشور می تواند جلو نا امنی ها را در کشور محدود سازد و از فساد گسترده و جلو لگام گسیختگی سیاسی و اجتماعی را بگیرد؟ زیرا افغانستان در شرایط موجود با چند مشکل اساسی مواجه می باشد، که از آن جمله می توان تولید رقم درشت مواد مخدر، نا امنی، نبود حکومتداری خوب و گستردگی فساد را نام گرفت.

آیا پارلمان آینده خواهد توانست بر این گونه دشواری های بزرگ اجتماعی و سیاسی که در کشور وجود دارد موفق گردد؟ این گونه پرسش ها در برابر پارلمان آیندهٔ کشور وجود دارد. باید گفت که انتخابات در حقیقت مشارکت مردم است و در یک حضور شفاف مردم می توانند چهره های شایسته خویش را به خانهٔ ملت بفرستند که بدون شک یک چنین حضور سیاسی می تواند، به پاره یی از دشواری های سیاسی و اجتماعی کشور رسیدگی نماید و آن را کاهش دهد. هر قدر در این خانهٔ ملت، افراد دلسوز، آگاه و متعهد گرد هم آیند، به همان تناسب می توانند، در حوزه های نمایندگی نظارت و قانون گذاری به نفع ثبات سیاسی گام های بلند بردارند. هر قدر نتیجهٔ این انتخابات شفاف و عادلانه باشد، دستآورد آن برای مردم بیشتر خواهد بود و زمینه های قانونمداری در کشور به وجود خواهد آمد. در شرایط حساس و کنونی کشور انتخابات ۲۷ سنبله ۱۳۸۹ می تواند یک دستآورد بزرگ برای دولت و مردم افغانستان محسوب گردد؛ در غیر آن جامعهٔ جهانی و دولت گزینه یی بهتر از آن نخواهند داشت که جای این انتخابات را پر می ساخت.

سال گذشته، افغانستان شاهد دو انتخاب؛ یعنی انتخاب ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی بود که با وجود کمبودی ها می تواند یک دستآورد محسوب گردد و این انتخابات نیز خواهد توانست پایه های دیموکراسی و در مجموع دولت را تکمیل نماید. در شرایط کنونی کشور که یک نوع بحران سراسری در کشور وجود دارد، انتظارات بزرگ از نتیجهٔ این انتخابات مخدوش به نظر می رسد؛ زیرا اوضاع کنونی کشور یک چنین دشواری ها را در قبال دارد. بدون شک در انتخابات پنج سال پیش چهره های مثبت و منفی وجود داشت و در این انتخابات نیز چنین چهره ها وجود خواهد داشت. در انتخابات پنج سال گذشته آن گونه که شاهد بودیم عناصر متضاد حضور بهم رسانیده بودند و این انتخابات نیز از چنین جو حاکم برخوردار خواهد بود.

بدون شک انسان هایی که در گذشته صلاحیت قانون گذاری را کمتر داشتند و فاقد نام نیکو بودند در این پارلمان نیز راه خواهند یافت، حتی این احتمال وجود دارد که حضور آن ها بیشتر خواهد بود. باید منتظر بود که با این طیف وسیع از نامزدان پارلمانی که از هر قشر و گروه در این مسابقه اشتراک ورزیده اند، ترکیب پارلمان آیندهٔ افغانستان چگونه خواهد بود؟ و از این فضای آشفتهٔ سیاسی و این شبی که آبستن است، کس نداند که چی خواهد زائید. به باور بسیاری از آگاهان این انتخابات بر روند و اوضاع کنونی کشور امیدوار کننده خواهد بود، امروز افغانستان به یک تغییر بنیادی و اساسی نیاز دارد. فکر می شود این تغییر و دگرگونی مثبت، باید از خانهٔ ملت که مظهر اراده و آرای مردم است، آغاز گردد.

در پارلمان گذشته با وجود کارهای مفید و مثبت، بدون شک کمبودی های زیادی در آن وجود داشت. تعدادی از افرادی که در پارلمان پنج سال گذشته حضور یافته بودند، افراد اصلح جامعه نبودند و در این پارلمان نیز افراد اصلح از تعداد انگشتان بیشتر نخواهد بود، در صورتی که افراد بهتر از گذشته در این پارلمان حضور نیابند، بحران اعتماد میان پارلمان و مردم بیشتر خواهد گردید و این بحران اعتماد که در زمینه های مختلف دولت بدان دست و گریبان می باشد، دامان پارلمان آیندهٔ کشور را خواهد گرفت. امید برده می شود که پارلمان جدید بتواند به پاره یی از دشواری های سیاسی و اجتماعی کشور پایان دهد و روزنه یی باشد، برای تامین حقوق شهروندی؛ زیرا مردم از یک پارلمان گوش به فرمان دولت خسته شده اند. آنچه را که پارلمان در پنج سال گذشته نتوانسته بود بر آن موفق گردد، امید برده می شود که این پارلمان نظر به تجربهٔ پنج سال گذشته کارهای مثمر که مردم انتظار آن را دارند، انجام دهد، در غیر آن بحران اعتماد در کشور عمیق تر خواهد گردید و شیشهٔ امید مردم به سنگ خواهد خورد.

حال وقت آن فرا رسیده است که ما شاهد یک پارلمان دلسوز، متعهد و کارآ در کشور باشیم و چهره های بهتر از گذشته در مجلس قانون گذاری حضور یابند، بدون شک یک پارلمان کارآ می تواند، کشور را از بن بست کنونی و بحران عمیق اجتماعی نجات دهد، هر چند این انتخابات با چالش های متعددی؛ چون: نا امنی، شرکت نامزدان، شعار های گمراه کننده، بی تفاوتی مردم و در مواردی با تقلب همراه بوده است امید برده می شود که پارلمان آیندهٔ کشور گره از دشواری های این جامعه را بگشاید و روزنه یی باشد برای امید های مردم.

فروپاشی بُت سکولریزم ...

نظام حاکم در ترکیه با برخورداری از پایگاه مردمی و ایمان به داشته های معنوی و افتخارات تاریخی مردم خویش با استفاده از روش های ویژهٔ مبارزاتی اش در چارچوب تشکیلات حزبی چون " راه نجات"، "رفاه"، "فضیلت"، و " عدالت و توسعه" توانایی آن را پیدا کرد که از طریق همان اوراق بازی رایج در بازی های سیاسی معاصر، بر اریکهٔ زعامت سیاسی ترکیه تکیه زند و قدرت ارتش را که به حیث یک نهاد غیر مسوول و واجب الاطاعه – به دور از هرگونه معیار های عقلانی – در ذهنیت ها القاء شده بود، به زیر سوال برد. نظامی را که قانون اساسی نافذ در آن به حیث یک متن ماورایی تلقی گردیده و هرگونه حرکت مخالف آن را، یک حرکت عاصیانه و در تضاد با اصول آن می شمارند، مورد سوال قرار داده و با آوردن تعدیلاتی در قانون اساسی مسودهٔ آن را به نظرخواهی مردم گذاشت که در نتیجه با به دست آوردن ۵۸ درصد آرای رأی دهندگان مورد تأیید ملت ترک گردید.

رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، تأیید این تعدیلات در قانون اساسی را به حیث یک حادثهٔ بزرگ تاریخی در ترکیه وانمود کرده و یادآور شد که تحول کنونی تحولی است ک بر بنیاد دموکراسی و آزادی به وقوع پیوسته است که دیگر عقلانیت نظامی در آن محل اعراب ندارد. موضع گیری اپوزیسیون سیاسی ترکیه که از دو حزب جمهوری خلق و حزب ملت تشکیل شده است این پیروزی حزب عدالت و توسعه را – به دور از هرگونه استدلال منطقی – آیندهٔ تاریک برای ترکیه به خوانش گرفته و تحلیل گران انگیزهٔ این موضع گیری منفی اپوزیسیون را تنها در تحقق آن از طرف حزب عدالت و توسعه نهفته می دانند و بس. اما این پیروزی حزب حاکم عدالت و توسعه اگر از یک طرف زادهٔ ترجمانی راستین او از خواسته ها و آرمان های برحق این ملت است، از جانب دیگر زادهٔ تقدیم خدمات و برنامه های سازندهٔ اقتصادی این حزب بوده و رشد ۱۰/۳ درصدی اقتصاد ترکیه در ربع اخیر سال جاری خود تأییدی است بر مدعای فوق.

اینک با به نمایش گذاشتن چنین تصویری از ترکیه و تحولات جاری آن، نکتهٔ محوری که باید بر آن ترکیز شود، همانا سرنوشت نظام سکولرستی در این کشور است که به حیث کعبهٔ آمال گروه های دین گریز و مفتون شیوه های به حاشیه راندن تعلیمات دینی، در کشورهای اسلامی قرار گرفته بود.

برخی از گروه های ناهمسو با حاکمیت دین در زندگی جامعه در جهان اسلام، نظام برپا شده توسط اتاترک را که بر بنیاد محو نمادهای دین در جامعهٔ اسلامی ترکیه استوار بود الگوی خیزش های سیاسی خویش قرار داده و آن را یگانه راهی برای پیشرفت و ترقی در کشورهای اسلامی تلقی می کردند.

اما موج تحولات کنونی در ترکیه چنان رو به گسترش است که بنا به پیش بینی های کارشناسان، پیروزی نظام سیاسی حاکم ترکیه در نظرخواهی اخیر راه تعدیلات بیشتری را در قانون اساسی لائیک این کشور برای وی باز نموده و فرا رسیدن آن روز دیر نخواهد بود که " عثمانیان جدید " به خودی تاریخی، متکی بر افتخارات خویش باز گردند.

البته، نیل ترکیهٔ جدید به چنین جایگاهی در سطح ملی، منطقه یی و جهانی را نباید یک امر تصادفی تلقی کرد.

رمز رسیدن ترکیه به چنین جایگاهی را باید در تعامل آگاهانهٔ آن با افتخارات گذشتهٔ ملت و حوزهٔ تمدنی اش و شناخت او از ظرفیت های معنوی و مادی و موقعیت خود در بازی های سیاسی منطقه یی و جهانی جست، نه در معیارهای جدا از آن.

موضع گیری های غیرتمندانهٔ زعامت جدید ترکیه در قضایای جهان اسلام از جمله اقدام شجیعانهٔ وی در شکستن محاصرهٔ غزه و مسوول شناختن اسرائیل در حمله به ناوگان آزادی و ... همه و همه در تحکیم پیوند او با مردمش تأثیر بسزایی داشته و زمینه ساز آن شد که مسودهٔ تعدیلات او در قانون اساسی ترکیه مورد پذیرش ملت ترک واقع شود.

آری همه آنچه گفته شد از یک طرف، ولی از جانب دیگر موضع گیری حزب عدالت و توسعه در برابر نظام لائیک حاکم و مراجعهٔ او به رأی مردم در پذیرش و عدم پذیرش آن، خود درس بزرگی خواهد بود برای حرکت های سکولرستی در کشورهای اسلامی که می خواهند با برنامه های به حاشیه راندن اسلام و ارزش های آن، زمام مقدرات این کشورها را به دست گیرند.

حزب عدالت و توسعه با ایمان به نقش سازندهٔ اسلام و دین باوری، در کاهش دادن به بحران ملی در کشورهای اسلامی، به منطق گروه های سکولر در این کشورها پوزخند زده و ثابت کرد که باور با تعلیمات اسلامی و عمل به آن ها است که حرکت های ملی در کشور های اسلامی را از پشتوانهٔ ملی برخوردار ساخته و آن ها را به حیث یک دژ محکم در برابر توفان حوادث و دسایس دشمنان در اشکال مختلف آن، از آسیب پذیری ها نجات خواهد داد، نه پشت کردن به آن ها و کمرنگ جلوه دادن باورها و آموزه های دینی در قیام ها و خیزش های ملی.

آری! همین کارکردها و موضع گیری های اسلام گرایانهٔ حزب حاکم عدالت و توسعه در قضایای ملی و بین المللی بود که زعامت جدید ترکیه را در جایگاه مناسب آن قرار داده و زمینه ساز فروپاشی بُت سکولریزم در ترکیه گردیده و درسی خواهد شد برای معابد سکولریزم که با فقدان آگاهی از عناصر، مولفه بستر اجتماعی خویش سرگشته و حیرت زده قدم و قلم می زنند وبرای هدفی که تحقق آن مجهول است در حرکت اند.

مونږ پوه مجاهد او د ولس ...

ولایت له څلورو نوماندانو څخه چې د افغانستان د اسلامي جمعیت غړی دي، ملاتړ کوو.

فقیري زیاته کړه، مونږ غوارو چې صالح، په دین مین، پوه او بادرده نوماندان بریالي شي که څه هم د اسلامي جمعیت غړیتوب ونلري.

د افغانستان د اسلامي جمعیت ځانګړتیا په دې کې ده چې اکثره نوماندان یې د پوهې، تقوا او پاک لمنې سمبولونه دي. زمونږ دوه تنه نوماندان هریو استاد غفوري او استاد شفیق دواړه د پوهنتون استادان دي. همدارنګه په مرکز او ولایتونو کې هم زمونږ اکثره نوماندان علما، استادان او د پوهې او تقوا مشعلونه دي.

فقیري د جمعیت د بیاجوړونې په هکله وویل:

د افغانستان د اسلامي جمعیت مشرتابه پتیلی وه چې په نږدې راتلونکې کې د اسلامي جمعیت کنګره یا عمومي مجمع دایره کړي، کوم چې د هیواد له هر ګوټ څخه د اسلامي جمعیت د غړو استازي برخه ولري او هیله لرو چې تاسې هم په ډیر غور او دقت سره خپل استازي وټاکې او مرکز ته ولیږې. ځرنګه چې د ننګرهار له ولایت څخه برسیره د لغمان، کنړ او نورستان له ولایتونو څخه استازي هم په دې غونډه کې حضور درلود او یا په ننګرهار د نومول شویو ولایتونو د میشتو خلکوته استازیتوب کوي، نو ټول ورونه باید د کنګرې د جوړیدو لپاره له مخکې نه تیاری ولري. په کنګره کې د اسلامي جمعیت مشر له سره ټاکل کیږي، اساسنامه او مرامنامه تصویب کیږي او عالي یا مرکزي شورا او اجرائیه یا مشرتابه شورا جوړیږي او بیا په ټول افغانستان کې منظم کارته دوام درکوو.

همدارنګه باید وویل شي چې د جمعیت ټول پخواني او پیژندل شوي څیرې لکه استاد عطا محمدنور، مارشال محمد قسیم فهیم او امیر اسماعیل خان ټول په یوه خوله د جمعیت د بیاجوړونې او د کنګرې له جوړیدو سره اتفاق لري.

د وړې د میاشتې په درویشتمه نیټه بیا د جمعیت په دفتر کې غونډه وشوه او یو شمیر استازي خبرې وکړې او خپل ملاتړ یې د جمعیت له نوماندانو څخه څرګند کړل. په غونډه کې عبدالستار مراد، عبدالرحمن غفوري، معلم محمد یوسف او سرمعلم درګل خان خبرې کړې او د ننګرهار د پوهنتون استاد مولوي سید محبوب شاه په دعایې سره غونډه پای ته ورسید.

بحث هایی

که هنوز زود است!

پوهنمل محمد نسیم فقیری

تلویزیون فارسی بی. بی. سی بحث داغی را به نشر سپرد که چهارتن از تحصیلکرده ها و روشنفکران افغان در آن شرکت داشتند.

مسایلی از قبیل این که آیا جامعۀ ما یک جامعۀ قبایلی است یا نه؟

آیا سنن، روابط و فرهنگ جامعۀ قبایلی به آن حاکم است یانه؟ و آیا جرگه ها و لویه جرگه ها واقعاً یک سنت دیرینه و تاریخی است و آیا پادشاهان و روسای جمهور واقعاً توسط لویه جرگه ها به قدرت رسیده و یا قدرت و زمامداری شان تایید شده و ... آیا برای حل مشکلات کنونی باید به سراغ سنن مذکور رفت و ... همچو بحث ها در رسانه های کشور نیز صورت می گیرد و هر مسئلۀ مذکور موافقان و مخالفانی دارد...

آنچه که در این سطور بیان می شود، رد یا تایید ضرورت این بحث ها نیست بلکه زمان آن است که به نظر نگارنده بسیار زود است:

مردم ما و به خصوص جوانان باید بدانند که مشکلات اصلی جامعۀ ما چیست؛ این مشکلات چه راه حل هایی دارد و چگونه می توان بر این مشکلات فایق آمد.

حقیقت ها چیست و واقعیت ها کدام اند؟ چه چیزها و چه حرف هایی در تاریخ کشور ما حقیقت و واقعیت داشته و کدام حرفها، دروغ و غرض آلود اند؟ آیا این همه ادعا ها و حرف ها واقعیت دارد و باید برای اصلاح و عدم تکرار آن در پی چاره شد تا زندگی امروز و آیندۀ مردم و نسل های ما از گزند آفات و فتنه های برخاسته از این ادعا ها (در گذشته و حال) محفوظ و مصؤن بماند. آیا این ادعا و یا برخی از آن دروغ و ساخته و پرداختۀ فتنه جویان داخلی و خارجی است که قصد دارند تا در کنار انبوهی از مشکلات و رنج های مردم ما، فتنه های دیگری را سامان دهند. و مردم ما را و یا گروه هایی از مردم وابسته به قوم ها و زبان های مختلف را به جان هم بیندازند؟

همچو بحث ها، هرگاه به صورت علمی و بی غرضانه مطرح شود مورد و تحلیل و بررسی منصفانه و بی طرفانه قرار گیرد و جامعه نیز پذیرای آن باشد، بی گمان که بسیار مفید خواهد بود و روشنگر راه آیندگان.

سوال ها زیاد است: قوم چیست و زبان چیست و اهالی آن کدام اند؟ آیا مصداق های درست و عملی قوم و زبان را در جامعۀ افغانی می توان دید؟ این اقوام و زبان ها را چگونه می توان شناخت و معیار شناسایی آن کدام است؟

فیصدی اقوام و زبان ها در افغانستان همواره از موارد بحث برانگیز و اختلافی بوده و به آمار و احصائیۀ حکومت ها و خارجی ها کمتر اعتماد شده است و اصلاً احصائیۀ کامل و جامع و قابل قبول برای همه ارائه نشده است!

چقدر مردم ما به کدام زبان صحبت می نمایند و اصلاً زبان مادری چیست و چند درصد از کسانی که زبان مادری خود را در فورمه ها می نویسند، قادر به تکلم به همان زبان اند؟

آیا همه فرزندان افغان از مادران و پدرانی از یک قوم و یک زبان به دنیا آمده اند؟

آیا ولایات و ولسوالی های ما همه دارای ترکیب خاص قومی و زبانی است؟

آیا اختلاط اقوام و زبان ها در همه زمینه ها در کشور ما وجود ندارد؟

آیا همۀ اقوام و زبان ها در کنار هم طی سده ها به صورت مسالمت آمیز به سر نبرده اند و ازدواجها صورت نگرفته است؟

آیا در دوران پر افتخار جهاد، شاید دوستی و برادری و همسنگری همه اقوام و زبان ها نبوده ایم؟

چرا جنگ ها محدود و کوتاه مدت بر سرقدرت را جنگ اقوام و زبان ها بنامیم؟

آیا در این جنگ ها معمولاً از یک قوم و یک زبان، دو طرف متخاصم نبوده اند؟ حتی در دوران جهاد، شاهد جنگ تنظیمی تمام عیار و سرتاسری نبوده ایم. دو تنظیم متخاصم در یک ولایت یا ولسوالی، همسنگر و همکار در ولسوالی و ولایت دیگر بوده اند!

ما شاهد درگیری هایی بوده ایم که قومندانانی از یک تنظیم دو طرف درگیر بوده اند و ...

این جنگ ها در واقع جنگ های قدرت بوده و نه جنگ اقوام، مذاهب و یا زبان ها و برای آن می توان صد ها مثال آورد...

پس بحث هایی از این قبیل در حالی که منکر ضرورت آن نیستیم، در حال حاضر زود است و فایده یی ندارد. امروز وضع کشور ما، به خصوص وضع امنیتی قابل اطمینان نیست و فتنه انگیزی از داخل و خارج قصد برهم زدن این وضع نیم بند امنیتی را دارند. پس بر نخبگان و روشنفکران و چیز فهمان کشور در داخل و خارج است که متوجه حساسیت و شکنندگی اوضاع باشند و نگذارند تا همچو بحث ها، زمینه های نفاق و افتراق را بیشتر و فتنه های خوابیده را بیدار سازد.

سفر رئیس جمهور به ...

حرف تازه ای نیست. رئیس جمهور کرزی به کمیسیونی وظیفه سپرده بود تا اسناد ویکی لیکس در مورد جنگ افغانستان را مورد بررسی قرار دهند. نتیجۀ این بررسی ها که به رئیس جمهور ارائه شد حرف تازه ای نداشت بلکه اثبات اتهاماتی بود که از جانب افغانستان بارها به آدرس پاکستان گفته شده بود.

هرچند بعد از انتشار این اسناد از جانب ویکی لیکس، روابط افغانستان و پاکستان بار دیگر رو به سردی نهاد اما به نظر می رسد که رئیس جمهور کرزی از عکس العمل جامعۀ جهانی در برابر پاکستان مایوس است. او در طول سال های گذشته این نکته را دریافت که امریکا به هیچ قیمتی حاضر به اقدام جدی علیه پاکستان نیست. از طرف دیگر افغانستان خود این توان را ندارد تا با پاکستان از موضع قدرت سخن بگوید. پس یگانه راه که باقی می ماند تلاش در ایجاد روابط بهتر با پاکستان است به این امید که از مداخلات پاکستان در افغانستان کاسته شود.

کرزی می داند که روابط دو جانبه با پاکستان برای رسیدن به این هدف کافی نیست بلکه باید با پاکستان در یک همگرائی منطقوی معامله نمود. به نظر می رسد که رئیس جمهور افغانستان اکنون شرایط را برای نیل به این مقصود بهتر یافته است.

سیلاب های اخیر در پاکستان میلیون ها تن را در این کشور بی خانمان ساخت و خسارات عظیم مالی ببار آورد. خسارات ناشی از این بلای طبیعی به حدی بزرگ است که بسیاری از تحلیلگران مسایل اقتصادی جبران این خسارات را برای پاکستان در کمتر از سه دهه ممکن نمی دانند. اقتصاد دانان پاکستان هم می گویند که این فاجعه پاکستان را از نظر اقتصادی ده ها سال به عقب برده است.

مشکلات اقتصادی پاکستان می تواند موجب گردد تا این کشور بیشتر به مسایل داخلی و تامین نیاز های مردم بی خانمان این کشور توجه نماید. بازسازی اقتصادی پاکستان در طویل المدت به کمک های منطقه و جهان نیازمند است و این مسئله می تواند برای افغانستان که تلاش دارد تا پلی میان جنوب آسیا و بازار های آسیای میانه باشد، فرصتی مغتنم است یا لااقل رئیس جمهور چنین محاسبه ای دارد.

بعد از سیلاب های اخیر در پاکستان، افغانستان هم تلاش نمود تا در حد توان خود به سیلاب زدگان این کشور کمک کند و در جریان سفر رئیس جمهور کرزی به پاکستان، کمک های جدیدی هم اعلان خواهد شد.

اما در جریان کنفرانس مشترک مطبوعاتی میان زعمای دو کشور مانند هر سفر دیگر به مبارزۀ مشترک علیه تروریسم تاکید گردید. اما نباید گمان کرد که مبارزۀ مشترک به معنی تصور مشترک از تروریسم و تعریف مشترک از تروریست است.

در مطبوعات پاکستان و همچنان در سخنان بعضی از مسوولین پاکستانی این نکته بارها منعکس شده است که تروریست ها کسانی اند که مخالف با منافع پاکستان عمل می کنند. آنها طالبان پاکستانی را خطری برای پاکستان دانسته و به مبارزه علیه آنان تاکید کرده اند اما شواهد روزافزون گواه این مطلب است که طالبان افغان راه خود را از طالبان پاکستانی جدا کرده اند. این جدائی موجب شده تا پاکستان به طالبان افغان به عنوان خطری به منافع خود ننگرد و حتی برعکس، آنان را تامین کنندۀ منافع خود در منطقه به شمار آورد.

در داخل پاکستان هم آن دسته از طالبانی که مخالف با پاکستان نیستند، به خصوص لشکر طیبه که قبلا در کشمیر تحت کنترول هند فعالیت های نظامی داشتند، اکنون که منافع پاکستان ایجاب می نماید تا خشونت در کشمیر کاهش یابد، به افغانستان آمده اند. این جابجائی ها نشان می دهد که برای پاکستان هنوز هم جنگ در افغانستان موافق با منافع ملی آن کشور ارزیابی می شود.

درحالی که امریکا خواستار عملیات نظامی قاطع پاکستان علیه طالبان و گروه های اسلامی تندرو است، مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از سیلاب های بی سابقۀ اخیر پاکستان را از عملیات نظامی بازمانده است. در شرایطی که میلیون ها مردم در پاکستان به کمک های عاجل ضرورت دارند، کشورهای غربی در فکر سبک و سنگین کردن این مسئله اند که کمک به آسیب دیده گان چگونه صورت گیرد تا به نفع گروه های تندرو تمام نشود، گروه های مذهبی در پاکستان به کمک مردم آسیب دیده آمده اند. کمک به مردمان آسیب دیده از سیلاب توسط این گروه های ضد امریکائی، هرگز نمی تواند به نفع امریکا باشد. به عبارۀ دیگر همین گروه ها هستند که با کمک به سیلاب زدگان، برای خود طرفدار کمائی می کنند.

خروج نیروها از افغانستان ...

به گفتۀ بی بی سی، یک ژنرال دیگر که مسوول آموزش نیروها در افغانستان است چشم انداز انتقال عمده مسوولیت های امنیتی به افغان ها برای یک سال دیگر را کمرنگ دانست.

او در مورد تفنگداران دریایی در ولایت جنوبی هلمند و قندهار گفته بود: "راستش من فکر می کنم چند سال طول بکشد تا اوضاع کارزار طوری باشد که انتقال مسوولیت برای ما ممکن باشد."

بیانیۀ ژنرال کانوی پررنگ کنندۀ ادامه اختلاف نظر رهبران سیاسی و نظامی آمریکا درباره سرعت انتقال مسوولیت امور امنیتی به مقام های افغان است.

ژنرال دیوید پترائوس، فرمانده کل نیروهای ائتلاف در افغانستان، نیز گفته است که وی حق مخالفت با برنامه خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان از اواسط سال آینده میلادی را برای خود محفوظ نگه می دارد. کاخ سفید روز سه شنبۀ هفتۀ گذشته گفت که، رئیس جمهور قصد دارد در ماه دسامبر پیشرفت اوضاع در افغانستان را ارزیابی کند.

آگاهان عرصۀ نظامی بر این باور اند که، اعلان تاریخ خروج و نزدیک شدن به آن تاریخ، به مخالفین روحیه و قوت می بخشد و حامیان دولت و نیروهای خارجی را رفته رفته به حاشیه می راند و بزدل می سازد. هر قدر زمان خروج نزدیک شود صفوف مخالفین تقویه می شود زیرا مردم افغانستان از خروج اتحاد شوروی سابق تجربه دارند و بعد از آن دیدند که حکومت چگونه از هم پاشید، رئیس جمهور به یک طرف فراری و پناهنده می شود و وزرای کلیدی هرکدام به طرف های مورد علاقه می پیوندند و ارتباط به خاطر بقای شان را تأمین می کنند. در پیروزی مجاهدین در سال ۱۳۷۱ همه شاهد بودند و تأثیر حکومت های بی پشتوانه را دیدند که انجامش سقوط است.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

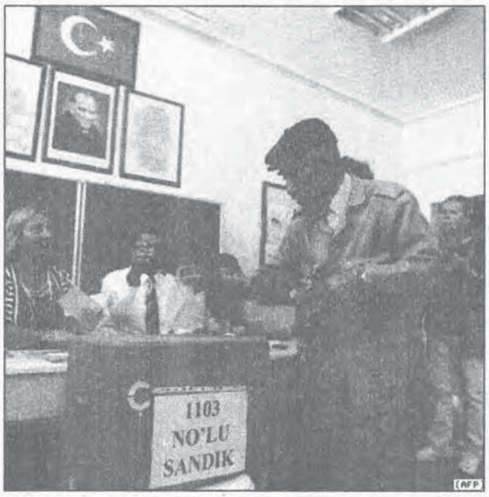
● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ بیست و یکم ۲۸ سنبله ۱۳۸۹ ۱۰ شوال المکرم ۱۴۳۱ - 19 september 2010

فروپاشی بُت سکولریزم در ترکیه



سید عنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

داستان فروپاشی امپراتوری عثمانی و تعویض آن به یک نظام سکولر در کشور اسلامی ترکیه توسط مصطفی کمال اتاترک (پدر ترک)، داستانی است دنباله دار که از زوایای مختلف به خوانش گرفته شده و تحلیل های گونه گون از آن ارائه گردیده و می گردد.

آنچه در این نوشتار مختصر و فشرده در محراق توجه قرار دارد، همانا تحولات اخیر ترکیه است که برخلاف دید حاکم مبتنی بر خشکیدن ریشه های اسلامگرایی در ترکیه، با شتاب بالاتر از تصور، در حرکت بوده و مطابق به آن ضرب المثل معروف عربی " باد ها در جهت مخالف خواست کشتی ها در حرکت اند" جریان دارد.

ص ۷

خروج نیروها از افغانستان دیدگاه ها



مصباح شعیب

لیم فاکس وزیر دفاع بریتانیا به تاریخ ۲۱ سنبله در گردهمایی انستیتوت جهانی مطالعات ستراتیژیک گفته است که، اگر سربازان بریتانیایی تا قبل از سال ۲۰۱۵ از افغانستان خارج شوند، تندروان در این کشور تقویت خواهند شد.

فاکس در ژینوا به ستراتیژیست ها و افسران نظامی گفته است، برنامه ریزان دفاعی بریتانیا که اولویت های نظامی این کشور را مورد بررسی قرار می دهند، روی این احتمال نیز غور می کنند که نیروهای بریتانیایی در آینده در کدام نقطهٔ دیگر از جهان باز هم دخیل خواهند شد.

وی گفته است، با تروریزم انتقالی مبارزه طولانی خواهند داشت که در طول مدت در نقاط مختلف جهان ظاهر خواهند شد.

فاکس در اشاره به حملات یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱ گفته است، هیچ کس تصور نمی کرد که ایالات متحده روزی به افغانستان خواهد رفت، اما وقایع که در ظرف چند ساعت در منهاتن نیویارک رخ داد همه چیز را تغییر داد.

به گفتهٔ فاکس، نیروهای امنیتی افغانستان تا سال ۲۰۱۵ آموزش خواهند دید، تسلیح و تجهیز خواهند شد، تا مسوولیت امنیتی کشورشان را به عهده بگیرند.

اما وی گفت، خروج نیروها پیش از سال ۲۰۱۵ از افغانستان پیشرفت کنونی و اهداف امنیتی شان را از بین خواهد برد

چندی قبل یک جنرال نیروی دریای امریکا (جنرال کانوی) گفته بودکه، جدول زمانی که در سال ۲۰۱۱ شروع می شود، به دشمن ما انرژی می دهد.

او گفته بود، بر این عقیده است، نیروهای آمریکایی در جنوب افغانستان احتمالا باید برای چند سال در آنجا بمانند.

اظهارات او احتمالا به بحث ها درباره استراتژی آمریکا در افغانستان و تاریخ تعیین شده برای آغاز روند خروج دامن خواهد زد. اما مقامات دولت امریکا گفته بودند که از شنیدن اظهارات این ژنرال تعجب نمی کنند چرا که همان صراحت لهجه همیشگی سپاه تفنگداران دریایی را منعکس می کند، به خصوص اینکه این ژنرال درحال بازنشسته شدن است.

آگاهان معتقدند که این ژنرال شاید با چنین اظهاراتش، به سرنوشت مک کریستال گرفتار شود که انگشت انتقاد بالای شخصیت های امریکایی گذاشته بود و بالاخره برکنار شد.

ژنرال کانوی که تازه از افغانستان بازگشته، در یک کنفرانس خبری در پنتاگون گفته بود، نگران است که وجود چنین تاریخی ممکن است چنین به طالبان القا کند که آمریکا برای به پایان بردن جنگ آماده می شود.

ص۷

ننگرهار ته د جمعیت د پلاوي سفر

مونږ پوه مجاهد او د ولس په درد دردیدلي نوماندان لرو

همنوا

د افغانستان د اسلامي جمعیت د لاربښود له لارې ښوونې سره سم د افغانستان د اسلامي جمعیت د مشرتابه شورا د غړي او د دارالانشا د رئیس پوهنمل محمد نسیم فقیري او دمشر تابه د شورا د غړي او دسیاسي چارو د رئیس عبدالستار مراد په ګډون د جمعیت پلاوي، د وږي د میاشتي په دویشتمه نیټه سهار وختي دجلال آباد په لور وخوځیدل.

پلاوي د افغانستان، د اسلامي جمعیت د جلال آباد د نمایندګي په دفتر کي چي د استاد غفوري د انتخاباتي مبارزاتو دفتر هم دي، د ننګرهار، کنړ، لغمان او نورستان له بیلا بیلو استازو سره وکتل او په هغه غونډه کي ګډون وکړل کوم چي د کمپاین په موخه د جمعیت د دفتر په انګړکي جوړه شوي وه.

په سرکي استاد فضل الله همیم د افغانستان د اسلامي جمعیت دننګرهار د ولایت د دفتر مشر راغلو میلمنوته ښه راغلاست ووایه او د شهید همیم له خوي (قاري مشتاق احمد همیم) څخه هیله وکړه چي د قرآنکریم د څو مبارکو آیتونو په تلاوت سره، غونډه پرانیزي.

وروسي عبدالستار مراد، حاجي روح الله، استاد غفوري، استاد عبدالناصر شفیق، څارنوال نسیم، مولوي طوطي، مولوي شفیع الله شفیع او مولوي احمد زي په وار سره خبري وکړي.

عبدالستار مراد د پلاوي د سفر په هکله وویل: د افغانستان د اسلامي جمعیت مشر په ننګرهار کي د ولسي جرګي د ټاکنو لپاره د اسلامي جمعیت د نوماندانو د ملاتړ په موخه مونږ رالیږلي یو ترڅو ټول وروڼه او خویندي په دي خبرو کړو چي په ټاکنوکي د استاد عبدالرحمن غفوري، استاد عبدالناصر شفیق، حاجي پیر بخش او ډاکتر عصمت څخه ملاتړ کوو، همدارنګه د حاجي حضرت علي پلوي هم یو.

نورو وینا والو د افغانستان د اسلامي جمعیت دلاربښود له ځانګړي پاملرني څخه مننه وکړل او د پلاوي راتګ ته هرکلي ووایه. محمد نسیم فقیري د افغانستان د اسلامي جمعیت د دارالانشا رییس په خپلو خبرو کي وویل: مونږ یو فکری اسلامی او سیاسي ګوند یو او سیاست زمونږ د کار او مبارزی یوه برخه ده. مونږ غواړو او هڅه کوو چي ننی او سبانی نسلونه د اسلام پر اصولو او اساساتو وروزل شی او یوه سالمه ټولنه او اسلامي حکومت جوړه شی. مونږ د افغانستان د مسلمانو خلکو د آزادی او خلاصون لپاره جهاد کړی چي پر مونږ باندی فرض و. په هیواد باندی ملحدینو او شوروی یرغلګرو تیری کړی او بی وسله والی مبارزی او جهاد څخه د مقابلی بله لاره نه وه. په اوسنیو شرایطو کي د افغانستان د اساسی قانون او د ګوندونو قانون له حکمونو سره سم کار او مبارزه کوو او غواړو چي ټولی غوښتنی په سوله ایزه توګه د قانون له حکمونو سره سم ترسره شی. د ولسی جرګی لپاره ټاکنی زمونږ د سیاسی مبارزاتو د بهیر یوه برخه ده. مونږ د افغانستان په کچه نوماندان لرو او په ځانګړی توګه د ننګرهار په

۶مخ